

سلاح آیینی اژدهاکشی

علی فرزانه قصرالدشتی^۱

گلناز قلعه‌خانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از مباحث تکرارشونده در اساطیر و حماسه‌های ایران اژدهاکشی است. نبرد با اژدها یکی از انواع جنگ‌های حماسی و اساطیری به شمار می‌رود و آنچه در بعضی از این‌گونه نبردها نمایان می‌شود، نمادها هستند. اژدها در داستان‌های اساطیری و حماسی ایران، عموماً با گرز کشته می‌شود. کشتن اژدها با این سلاح در اساطیر و حماسه‌های دیگر ملل هند و اروپایی نمونه‌هایی دارد؛ به گونه‌ای که سلاح آیینی اژدهاکشی گرز شناخته می‌شود. در این مقاله بررسی شده که چرا گرز به‌عنوان سلاح آیینی این کار درآمده است؟ گرزهای پهلوانان اساطیری و حماسی ایران گاوشکل است. تقابل گاو با اژدها، به‌عنوان نمادهای ترسالی و باروری در مقابل خشکسالی، باعث شده‌است تا گرز گاوشکل، به‌عنوان نماد ترسالی و باروری سلاح آیینی کشتن اژدها به‌عنوان نماد خشکسالی شناخته‌شود؛ در واقع علت این امر در شکل گرز و نمادشناسی آن است.

کلیدواژه: گرز؛ اژدهاکشی؛ سلاح آیینی؛ ترسالی و خشکسالی.

۱- مقدمه

در متون و روایت‌های حماسی و اساطیری، ممکن است حتی نکته‌های بسیار ظریف و آنچه کم‌اهمیت می‌نماید، ریشه در باورهای اساطیری مهم و عمیقی داشته‌باشد. این موارد عموماً تکرارشونده هستند و اگر در حماسه‌ها حضور دارند، نمودهای اساطیری در آن‌ها دیده می‌شود. یکی از نمونه‌های این نکته‌های باریک، سلاح کشتن اژدهاست که پهلوان‌ها عموماً برای کشتن این موجودات از گرز استفاده می‌کردند؛ یا مرگ رویین‌تنان عموماً با گیاهان

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز. (نویسنده مسؤل) ایمیل afqd1991@gmail.com

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

پیوند دارد. شاید در آغاز این اشتراکات عادی به نظر برسد؛ اما زمانی که تکرار شونده باشند و مثلاً دیده شود سلاح آیینی اژدهاکشی اغلب گرز است، این سؤال شکل می‌گیرد که چرا اژدها می‌بایست با این سلاح کشته شود؟

بسیاری از حماسه‌ها شکلی دگرگون‌شده از روایتی اسطوره‌ای هستند و مقوله اژدها کاملاً از مباحث اساطیری به حماسه راه یافته‌است؛ بنابراین برای یافتن پاسخ، باید به پیشینه اساطیری اژدها و گرز بازگشت و آن‌ها را بررسی کرد. در ادامه، نخست نمونه‌های اژدهاکشی گفته و به بررسی آن‌ها و سلاح‌های این عمل پهلوانی پرداخته شده‌است؛ سپس به توصیف گرز اژدهاکشی و نمونه‌های آن اشاره کرده‌ایم و بعد از آن به پیشینه اساطیری اژدها و گرز و تحلیل آن‌ها پرداخته‌ایم تا علت کشتن اژدها با گرز روشن شود.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- نمونه‌های جنگ با اژدها و سلاح‌های به کار رفته

۲-۱-۱- میترا از اژدهاکشان اساطیر ایرانی و سلاح اصلی او گرز است. «نشانه‌هایی از اژدهاکشی مهر با گرز در آیین مهرپرستی غربی به‌جا مانده است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹). اسطوره اژدهاکشی، یکی از مناسک بااهمیت تشریف‌نوآیینان مهری بوده‌است و این موضوع در جشن مهرگان و داستان فریدون و ضحاک و همچنین رسم مهری که پیر در نمایشی رمزی با گرز اژدها را می‌کشد، نمایان است (همان: ۲۴۰). گرز مهر در روایت‌های مهری و زرتشتی گاوسر توصیف شده‌است (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹).

۲-۱-۲- کسی که در فرجام جهان ضحاک را نابود می‌کند، گرشاسپ یا سام است. در متون فارسی‌میان به گرز گاوسر گرشاسپ و یا گرز سام، به‌عنوان سلاح کشتن ضحاک (اژدهایی که در اوستا با نام اژی‌دهاک توصیف‌شده) اشاره شده‌است. در قطعه‌ای از دادستان دینی آمده‌است: «... مردی تهم پیش از رستاخیز برخیزانده شود و گرشاسب سامان نام دارد. او به یک گرز گاوسار آن دروغ (ضحاک) را بشکند» (به نقل از سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). همچنین در بندهشن آمده‌است: «درباره ضحاک که او را بیوراسب خوانند، گوید... هنگامی که رها شود، سام خیزد، او را گرز زند و اوژند» (دادگی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).



۲-۱-۳- اولین نمونه مبارزه با اژدها در شاهنامه و یکی از مهم‌ترین نمونه‌های آن تقابل فریدون با ضحاک است. ضحاک در شاهنامه، برابر فریدون، یکی از مهم‌ترین اژدهاکشان روایت‌های ایرانی قرار دارد و فریدون او را با گرز گاوسر خود می‌زند:

بدان گرزۀ گاوسر دست‌برد بزد بر سرش ترگ بشکست خرد
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۸۲)

و در دماوند به بند می‌کشد.

بر اساس روایت زامیادیش، در بند ۹۲، خود فریدون با گرز پیروزمند آرنده، اژی‌دهاک یا ضحاک را می‌کشد:

«vazrəm vaêjō yim vārəθraynim yim barat̄ taxmō θraêtaonō yaṭ ažiš dahâkō jaini;»

(هومباخ، ۱۹۹۸: ۵۹).

در ریگ‌ودا نیز از ایندیره به‌عنوان کشنده ویشوه‌روپه یاد شده (جلالی‌نائینی، ۱۳۸۵: ۲۴۸) که در بعضی موارد ایندیره با تریته یکسان یا همکار و کشنده این اژدهای سه‌سر و شش‌چشم (همان توصیف ضحاک در اوستا) است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۲۲۲ و ۲۲۳).

۲-۱-۴- یکی دیگر از نمونه‌های مهم اژدهاکشی در روایت‌های ملی ایران، کشته‌شدن افراسیاب به دست کیخسرو است. افراسیاب موجودی اهریمنی است که بر اساس پژوهش آیدنلو، به احتمال بسیار، در روایت‌های پیشین اژدها بوده‌است (آیدنلو، ۱۳۸۸: ۸۹ تا ۱۲۰) و با هر حمله خود به ایران، خشکسالی به بار می‌آورد. در روایت شاهنامه، کیخسرو افراسیاب را به خونخواهی از اغریث، نوذر و سیاوش با شمشیر گردن می‌زند:

به شمشیر هندی بزد گردنش به خاک اندرافکند نازک‌تنش
(فردوسی، ۱۳۷۳: ۳۲۲)

اما بر اساس متون کهن‌تر، کیخسرو با گرز افراسیاب را نابود می‌کند. بر اساس بند ۹۲ و ۹۳ زامیادیش، کیخسرو با همان گرز پیروزمند آرنده که فریدون با آن ضحاک را می‌کشد، افراسیاب را از بین می‌برد:

«vazrəm vaêjō.../ yim barat̄ kauua haosrauua yaṭ turō jaini franrase»

(هومباخ، ۱۹۹۸، ۵۹).

بنابراین در این روایت هم پهلوان با گرز گاوسر اژدهایی را نابود می‌کند.

۲-۱-۵. در کتاب روایت پهلوی، روایتی از کشته شدن اژدهای شاخدار به دست گرشاسب آمده است که در آنجا نیز سلاح گرشاسب گرز است. در این روایت از زبان گرشاسب آمده است: «اژدهای شاخدار اسب اوبار و مردم اوبار را کشتم... به اندازه نیمروز به پشت او همی تاختم تا سرش را به دست گرفتم و گریزی بر گردنش زدم و او را کشتم» (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۲۹ و ۳۰).

۲-۱-۶. گرشاسب، یا به روایت شاهنامه سام، با گرز گاوسر اژدهای رود کشف را نابود می کند. بر اساس روایتی که در شاهنامه به آن اشاره شده است، سام نخست چند تیر به اژدها می زند و دهان او را می دوزد و سپس او را با گرز نابود می کند:

چنان اژدها کو ز رود کشف	برون آمد و کرد گیتی چو کف...
زمین گشت بی مردم و چارپای	جهانی مرو را سپردند جای...
میان را ببستم به نام بلند	نشستم بران پیل پیکر سمند
به زین اندرون گرزۀ گاوسر	به بازو کمان و به گردن سپر...
زدم بر سرش گرزۀ گاوچهر	برو کوه بارید گفتمی سپهر

(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۲ و ۲۳۳)

لازم به ذکر است که از این اژدها با نامهای دیگر در روایت های ملی مثل گرشاسبنامه و سامنامه یاد شده است (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۷۱ تا ۲۶۶).

۲-۱-۷. در منظومۀ گرشاسبنامه، این پهلوان به درخواست ضحاک به جنگ اژدهایی می رود که انسانها، چهارپایان و مزارع را نابود می کند:

ز مردم بپرداخت این بوم و مرز	هم از چارپای و هم از کشتورز
------------------------------	-----------------------------

(اسدی طوسی، ۱۳۸۹: ۷۵)

در این روایت گرشاسب پیاده به رزم اژدها می رود و با گرز او را نابود می کند:

به گرز گران یاخت مرد دلیر	در آمد خروشنده چون تندشیر
بدانسان همی زدش با زور و هنگ	که از گه به زخمش همی ریخت سنگ
سر و مغزش آمیخت با خاک و خون	شد آن جانور کوه جنگی نگون

(همان: ۷۹)



۸-۱-۲- رستم در دوران کودکی برای کشتن ببر بیان که از آن به‌عنوان اژدها یاد شده، تدبیری دگرگونه می‌اندیشد. او خانه‌ای آهنین ساخته و خود درون آن می‌رود. چون اژدها خانه را می‌بلعد، رستم از درون آن بیرون آمده و از درون، بدن اژدها را پاره می‌کند؛ اما اژدها کشته نشده و قصد دارد به دریا بازگردد که رستم با گرز او را می‌زند و می‌کشد:

ز دریا به پس روی برگاشته به گرز گران گردن افراشته
بزد بر سرش چند گرز گران که اندر سرش خرد شد استخوان
(هفت‌منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۲۶۷)

در آغاز داستان اشاره شده‌است که او برای رفتن به جنگ اژدها، سلاح خاص سام را که در متون حماسی تصریح‌شده گرز گاو سر است، با خود می‌برد:

از آن نامداران فرخنده‌نام گزید او سلیح سپهدار سام
(همان: ۲۳۸)

۹-۱-۲- در فرامرنامه بزرگ، فرامرز به جنگ دیوی می‌رود که دختر پادشاه کهیلا را ربوده، این اژدها را کشته و دختر را آزاد می‌کند:

ز زین کوهه گرز گران برکشید نه‌بش همی کوه خارا درید
بزد بر سر دیو و بشکست پست فرود آمد و هر دو چنگش بیست
(فرامرنامه بزرگ، ۱۳۹۴: ۱۶۱)

احتمالاً این دیو در روایت‌های کهن‌تر اژدها بوده‌باشد و داستان بن‌مایه تکرارشونده‌ای است که اژدها، دختر باکره پادشاه را ربوده، پهلوان پس از کشتن اژدها و نجات‌دادن دختر با او ازدواج می‌کند.

۱۰-۱-۲- در روایت‌های عامیانه‌ای که درباره رستم وجود دارد، به داستان رستم و دیو دوسر اشاره شده‌است. داشتن چند کله از ویژگی‌های اژدهایان است و در روایات حماسی، دیوها عموماً موجوداتی شبیه به انسان توصیف می‌شوند. اگر بپذیریم که این دیو، گونه‌ای اژدهاست، می‌بایست این نمونه را هم به موارد اژدهاکشی با گرز اضافه کرد. در این داستان اشاره شده‌است که «رستم با گرزش سر او را از تن جدا کرد» (انجوی شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۲۱).

۲-۲- سلاح اژدهاکشی

توصیف ابزارهای جنگی ایزدان و پهلوانان یکی از بن‌مایه‌های روایات‌های اساطیری و حماسی ایرانی بوده‌است. در باورهای اساطیری و حماسی، اژدها با رزم‌افزارهای متفاوتی کشته می‌شود که گرز اصلی‌ترین آن‌هاست. باید در نظر داشت که در اژدهاکشی قهرمانان، همیشه گرز سلاح نابود کردن زینکار نیست؛ مثلاً رستم در خوان سوم با شمشیر اژدها را می‌کشد و یا اسفندیار و فرامرز برای کشتن اژدها گردونه‌ای می‌سازند و به درون شکم اژدها می‌روند و از درون او را می‌آوارند. همچنین گاه دلیل استفاده از گرز در اژدهاکشی این است که سلاح‌هایی چون نیزه و تیر بر اژدها کارگر نیست؛ در همین موارد، بعضاً از شمشیر برای کشتن اژدها استفاده شده‌است؛ مثل کشته‌شدن اژدهای کپی در شاهنامه (فردوسی، بی‌تا: ۱۸۱ و ۱۸۲)؛ اما آنچه مهم‌است این است که به‌طور کلی «در اساطیر هند و ایرانی گرز به‌عنوان زین‌افزار ویژه ایزدان اژدهاکش، نماد آیینی تندر و آذرخش است که به‌وسیله آن اژدهای کیهانی اوژنیده می‌شود؛ چنانکه در وداها سلاح مخصوص اندره گرز است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۱۹) و آذرخش نیز در دست دارد؛ یا در اساطیر یونانی، زئوس برای نابود کردن تیفون که در نگاره‌ها به هیأت اژدهایی کشیده می‌شود، از آذرخشی که سیلکوپ به او می‌دهد، استفاده می‌کند (پین‌سنت، ۱۳۸۷: ۲۵)؛ بنابراین گرز سلاحی آیینی برای کشتن اژدهاست و ریشه در باورهای اساطیری دارد.

در روایت‌های پیش از اسلام، سلاح اصلی میترا گرز معرفی شده که روزی سه‌بار به سر دیوان دوزخ می‌زند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴۴) یا به روایتی، روزی سه‌بار گرز خود را بر فراز دوزخ به چرخش می‌آورد تا بر دیوان عقوبتی بیش از آنچه سزاوار آند، تحمیل نشود (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹). در بند ۹۶ مهریشت، گرز میترا چنین توصیف شده‌است: «گرزی با صد گره و صد تیغه... از فلز زرد، ریخته‌شده از زر سخت» (پورداوود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۷۷) و در داستان‌های مهری و زرتشتی، شکل آن به‌صورت گاو تصویر شده‌است (هینلز، ۱۳۸۵: ۳۷۹).

گرز فریدون و گرشاسب نیز، به‌عنوان دو اژدهاکش اصلی روایت‌های اساطیری و حماسی ما، شکل قابل‌تأملی دارند و گاوسر هستند. درباره گرز فریدون در شاهنامه آمده:

نگاری نگارید بر خاک پیش	همیدون بسان سر گاو میش
بدان دست بردند آهنگران	چو شد ساخته کار گرز گران
به پیش جهانجوی بردند گرز	فروزان به کردار خورشید برز



(فردوسی، ۱۳۶۶: ۷۱)

و در دیگر جاهای شاهنامه، به شکل گاومانند این گرز اشاره شده است:

سرش را بدین گرزۀ گاوچهر بکویم، نه بخشایش آرم نه مهر
(همان: ۷۶).

همین گرز است که در دست پادشاهانی چون کاووس، کیخسرو، انوشیروان و... دیده می‌شود و به روایت اوستا، کیخسرو با آن افراسیاب را می‌کشد (هومباخ، ۱۹۹۸: ۵۹). این گرز از لوازم پادشاهی به شمار می‌آید و تصریح شده که همان گرز فریدون است:

جهاندار شاه آفریدون سه‌چیز بران پادشاهی برافزود نیز:
یکی تخت و آن گرزۀ گاوسار که مانده‌ست ازو در جهان یادگار
(فردوسی، بی تا: ۲۷۳ و ۲۷۴)

درباره شکل گرز فریدون دو نظر ارائه شده است. عده‌ای آن را برگرفته از توتم خانوادگی فریدون و گاوادگی او و همچنین مرتبط با گاو برمایه گفته‌اند (جعفری‌دهقی و پوراحمد، ۱۳۹۲: ۳۹ تا ۵۷). عده‌ای نیز آن را برگرفته از اسطوره میترا و گرز میترا را تکرار اسطوره نبرد مهر با گاو و قربانی این موجود می‌دانند (قائمی، ۱۳۹۱: ۸۹ تا ۱۱۰). این دو نظر کاملاً از هم جدا نیستند. در واقع گاوِ خاندان فریدون، پادشاهی که فرۀ کشاورزی دارد، فرزند آب‌یار و از خاندان مرتبط با کشاورزی و باروری (اردستانی، ۱۳۹۴: ۱ تا ۲۸) همان نماد گاو آیین میترا است که قربانی آن برای باروری زمین انجام می‌شود. به هر حال شکل گاومانند گرز فریدون، چه برگرفته از توتم خانوادگی آن‌ها باشد و چه برگرفته از آیین مهری که با فریدون کاملاً مرتبط است، یک نماد را نشان می‌دهد و آن باروری است.

از دیگر سو، گرز گرشاسپ یا سام که در این خاندان به صورت وراثتی به فرزندان رسیده، گاوسر است. در متون فارسی میانه به شکل این گرز اشاره شده است که ذکر آن رفت. در شاهنامه نیز در چندین جا توصیف این گرز آمده است. جایی درباره سام آمده:

نشست از بر نامور تخت عاج به سر برنهاده فروزنده تاج
ابا یاره و گرزۀ گاوسر ابا طوق زرین و زرین کمر
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۱۸۱)

جایی دیگر درباره زال آمده است:

به دست اندرون داشت گرز پدر سرش گشته پرخشم و پر خون جگر
بزد بر سرش گرز ز گاورنگ زمین شد ز خون همچو پشت پلنگ
(همان: ۳۱۲)

رستم نیز گزری گاوسر دارد و این همان گرز گرشاسپ است که از او به زال و از زال به رستم رسیده است. دکتر سرکاراتی در این باره می نویسد: «بخشیدن زال، گرز سام را به رستم، اصیل و جزء سنت های باستانی حماسه ایران است» (سرکاراتی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).
در شاهنامه به اشخاص دیگری چون سیاوش، قارن، گیو و حتی کاموس، گرز گاوسر منسوب است که چون این پهلوانان ازدهاکش نیستند و احتمالاً این سلاح به تقلید از فریدون به آنها نسبت داده شده است، به آنها نمی پردازیم.

۲-۳- تقابل گاو و اژدها

در اساطیر و حماسه های ایرانی، گاو و اژدها همیشه در تقابل با یکدیگر قرار داشته اند. این تقابل در اساطیر دیگر هند و اروپایی نیز دیده می شود؛ مثلاً در اساطیر هند، تریته بعد از کشتن ویشوهروپه، گاوهایی که او در غاری پنهان کرده بود، آزاد می کند (رستگار، ۱۳۷۹: ۱۸۵). یا در نبرد ایندره و وریتره آمده است: «ورتره رویین تن بود؛ اما ایندره به نقطه ضعف او پی برد و او را شکست داد و تارانید. پس گاوان ابر از بند رها و باران بر زمین باریدن گرفت» (ایونس، ۱۳۸۱: ۱۸). تضاد میان گاو و اژدها به نمادپردازی اساطیری این دو موجود برمی گردد که نماد تضادهای خشکسالی و باروری هستند و عموماً در شکل جدیدتر اساطیر اژدها، گاوها یا زنانی باکره را که عموماً شاهزاده هستند، می رباید تا پهلوانی آنها را آزاد می کند. «در شکل اولیه اسطوره اژدهاکشی، اژدها آبها را به اسارت خویش درمی آورد و باعث خشکی و سترونی طبیعت می شود. ایزدی ارجمند به نبرد با اژدها می پردازد و در این نبرد سهمگین، اژدها به دست ایزد کشته می شود. در نتیجه آبها آزاد می شود و بار دیگر سرسبزی و نشاط به طبیعت بازمی گردد... در این اسطوره ها، تحت تأثیر زندگی اجتماعی و فرهنگی بشر، به شیوه ای استعاری، عناصر دیگر جای عنصر آب را گرفت. اهمیت گاو در



زندگی کشاورزی باعث شده که در برخی از اسطوره‌های مبتنی بر اژدهاکشی، عنصر گاو جای عنصر آب را بگیرد» (مالمیر؛ حسین‌پناهی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). تقابل گاو و اژدها و کشتن اژدها به وسیله گاو در حماسه ایران به شکلی دیگر نیز نمودار شده است. اسکندر در شهر نرم‌پایان با اژدهایی روبه‌رو می‌شود؛ دستور می‌دهد تا پنج گاو را به زهر و نفت بیاکنند و برابر اژدها می‌نهند و این‌گونه اژدها را مسموم می‌کند و می‌کشد. برای روشن‌تر شدن این تقابل، نیاز است نمادهای گاو و اژدها شرح داده شود:

۲-۳-۱- گاو، نماد باروری، آفرینش و ترسالی:

چنانکه قبلاً هم اشاره شد، گاو در اسطوره‌های متأخرتر جای آب را در باروری می‌گیرد. گاو یکی از نمادهای بسیارمهم در باورهای اساطیری ایران است؛ اما نقش این حیوان تنها به اساطیر ایران محدود نمی‌شود. گاو از اساطیر سرخ‌پوستان تا سومر و مصر و هندواروپاییان، نماد باروری به شمار می‌آید (شوالیه؛ گربران، ۱۳۸۵: ذیل گاو). این نقش گاو در اساطیر هندی و ایرانی بسیار بارز است. گاو در اساطیر هند الگوی ازلی مادر بارور و ابری به شمار می‌آید که باران حاصلخیز بر زمین می‌بارد (همان: ۶۷۲). در اساطیر ایرانی از ورزای، گاو آغاز آفرینش که با کیومرث آفریده می‌شود تا گاو قربانی شونده در آیین مهر، همه نمود آفرینش و باروری هستند. در روایتی مشهور از اساطیر ایرانی، حیوانات و گیاهان از بدن گاو آغاز آفرینش شکل می‌گیرند (هینلز، ۱۳۸۵: ۱۸۲). در اساطیر مهری نیز نقش زایایی گاو بارز است. در تمثالی که از مهر کشیده می‌شود، گاو نماد باروری است که ایزد مهر با قربانی کردن آن به باروری کمک می‌کند. همچنین دو خرفستر به سمت بیضه او هستند، نقش اژدها و قصد دارند گاو را نابارور کنند. در اسکاندیناوی نیز گاو به گونه بارزی این نقش را دارد. در اساطیر آفرینش اسکاندیناوی، ماده‌گاو به نام اودهوملا نقش پررنگی دارد. او هم یمیر (خوراک همه موجودات آینده) را شیر می‌دهد و هم با لیسیدن یخ موجب پدید آمدن انسان می‌شود (دیویدسون، ۱۳۸۵: ۱۹۸ و ۱۹۹). همچنین بعضی مادرهای کبیر و ازلی یا ایزدان باروری به شکل گاو ترسیم شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت «گاو ماده، قرن‌ها به‌عنوان نماد محسوس حیات و باروری در نزد اقوام چادرنشین و شبانان بوده است» (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹۹)؛ اما نمادهای باروری صرفاً مربوط به گاو ماده نمی‌شود؛ بلکه گاو نر نیز نقش بارورکنندگی را دارد و در اساطیر ملل، از جمله ایران، به مانند گاو ماده با الگوی باروری در ارتباط است. در واقع گاو نر «قدرت و نیروی تولید مثل است» (هال، ۱۳۹۲: ۸۵).

۲-۳-۲- اژدها، نماد خشکسالی در ایران:

اژدها در اساطیر ملل نماد موارد متعددی است؛ اما درباره آنچه مربوط به موضوع مورد بحث است، باید گفت؛ اژدها یکی از نمادهای دوگانه و عجیب در سراسر جهان است. جالب است که این موجود در بعضی ملل نماد باروری و آسمان و در بعضی ملل نماد خشکسالی و سترونی به شمار می‌آید. «اژدها دو خصلته هست؛ هم ایزد باران است و هم دشمن ایزد باران؛ یعنی کسی که جلو ریزش باران را می‌گیرد» (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۷)؛ در اساطیر چین، اژدها نماد ابرها و آب به شمار می‌آید و «اژدهای سبز یا آبی... نماد بهاری بوده که باران حاصلخیزکننده را با خود می‌آورد» (هال، ۱۳۹۲: ۲۱). در اساطیر تائویی و بودایی نیز اژدها این خصوصیت را دارد (کوپر، ۱۳۸۶: ۱۸). اوروبوس (اژدهایی که دم خود را در دهان دارد) نیز نماد باروری به شمار می‌آید. در این نماد، دم اژدها نماد آلت مردانه و دهان اون نماد آلت زنانه است و اژدها موجودی که قابلیت باروری را در خود دارد. همچنین «خدای باران مکزیکیان دو مار به هم پیچیده است» (الیاده، ۱۳۸۹: ۱۷۳).

اما در باورهای ایرانی، تا جایی که متون ما قدمت دارند، از اژدها به عنوان پتیاره یاد شده است و نماد خشکسالی به شمار می‌آید. ضحاک از اژدهایان اساطیر ایرانی، یک نمود باروری را اسیر کرده و دیگری را می‌کشد. چنانکه اشاره شد، در اساطیر متأخرتر، دختران پادشاه و گاو، نماد ابرهای باران‌زا هستند. ضحاک شهرناز و ارنواز را اسیر کرده و گاو برمایه که نماد دیگر باروری است، از بین می‌برد. در دوران حکومت او، همچنین طبقات اجتماعی برزیگری و کشاورزی که با باروری مرتبطند، از بین می‌رود و صرفاً دو طبقه موبدان و ارتشتاران روی کارند. از سوی دیگر، افراسیاب، نمود دیگر اژدها در روایت‌های ایرانی بازدارنده آب‌هاست. در گزیده‌های زادسپرم اشاره شده است که افراسیاب آب را از ایران‌شهر بازمی‌دارد و برای بازگرداندن آب، سپندارمذ در خانه منوچهر پدیدار می‌شود (زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱۷). همین روایت در بندهشن نیز آمده است (دادگی، ۱۳۹۰: ۱۳۹) و در بندهشن هندی اشاره شده که افراسیاب هزار چشمه را پایمال و لگدکوب می‌کند (بندهشن هندی، ۱۳۸۸: ۱۰۴).



این خصوصیت اژدها در حماسه‌های ملی ایران نیز نمودار است. اژدهایان عموماً مردم‌اوبار، رباینده دختران و خراب‌کننده کشت و زرع و دام هستند و به این ترتیب با خشکسالی پیوند می‌خورند:

چنان اژدها کو ز رود کشف برون آمد و کرد گیتی چو کف...
زمین گشت بی مردم و چارپای جهانی مرو را سپردند جای...
(فردوسی، ۱۳۶۶: ۲۳۲)

یا

ز مردم بیرداخت این بوم و مرز هم از چارپای و هم از کشت‌ورز
(اسدی‌طوسی، ۱۳۸۹: ۷۵)

در نمونه‌های ذکرشده قسمت دوم نیز این ویژگی اژدهایان کاملاً مشهود بود.

بنابراین تقابل گاو و اژدها، نشان تقابل باروری و ترسالی در برابر خشکسالی است. همچنین علت این که سلاح اژدهاکشی گرز است، ریشه در دو باور دارد: اول و مهم‌تر؛ شکل گرز که ریشه در اساطیر قدیم‌تر دارد و به شکل گاو است؛ چنانکه گرز میترا، فریدون و گرشاسپ گاوسر است. علت دیگر نیز ریشه در اساطیر دارد و این چنین است که سلاح خدایان آسمان که با باروری کاملاً مرتبط هستند، گرز است؛ مثلاً «نام خدای اعظم هیتی‌ها را که همسرش الهه Arinna بود، نمی‌دانیم؛ اما... وی خدای آسمان و طوفان و بادها و صاعقه بود و نمادش صاعقه و تبر یا گرز» (الیاده، ۱۳۸۹: ۹۸).

۳- نتیجه‌گیری

در اساطیر و حماسه‌های ملی ما اژدها معمولاً با گرز کشته می‌شود. این اتفاق در بعضی از داستان‌های هند و اروپایی غیرایرانی تکرار شده‌است؛ به‌گونه‌ای که این سلاح، به‌عنوان سلاح آیینی اژدهاکشی شناخته می‌شود. گریزی که به‌وسیله آن اژدها کشته می‌شود، شبیه گاو و علت این که گرز گاوشکل سلاح آیینی اژدهاکشی است، در تقابل گاو و اژدهاست. در اساطیر ایرانی، گاو نماد باروری و اژدها نماد خشکسالی است. در شکل قدیم‌تر اساطیر ایران، موجودی اهریمنی که به شکل اژدها ترسیم می‌شده، بازدارنده آب به شمار می‌آمد. در شکل

جدیدتر این اساطیر، آب جای خود را به گاو و دوشیزگان داده‌است که نمادهای باروری هستند؛ بنابراین گاو در جوامع چادرنشین به‌عنوان نماد باروری شناخته می‌شود. این تقابل در باورهای اساطیری و حماسی به شکل کشتن اژدها به‌وسیله گاو درآمد و گرز گاو شکل سلاح آیینی این کار شده‌است.

۴- منابع

- آیدنلو، سجاد. (۱۳۸۸)، *از اسطوره تا حماسه*، تهران: سخن.
- اردستانی رستمی، حمیدرضا. (۱۳۹۴)، «فریدون دهقان، کاوه آهنگر و ضحاک دیو»، بوستان ادب، دوره هفتم، شماره اول، صص ۲۸-۱.
- اسدی‌طوسی، ابونصر علی‌بن احمد. (۱۳۸۹)، *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: دنیای کتاب.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. (۱۳۶۹)، *فردوسی‌نامه (مردم و فردوسی)*، تهران: علمی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۹)، *رساله در تاریخ ادیان*، ترجمه جلال ستاری، تهران: سروش.
- ایونس، ورونیکا. (۱۳۸۱)، *اساطیر هند*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- *بندهشن هندی*. (۱۳۸۸)، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دادگی، فرنخ. (۱۳۹۰)، *بندهشن*، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷)، *یشت‌ها*، تهران: اساطیر.
- پین‌سنت، جان. (۱۳۸۷)، *اساطیر یونان*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- جعفری‌دهقی، محمود و مجید پوراحمد. (۱۳۹۲)، «گرز گاو سر فریدون و منشأ آن». ادب فارسی، دوره سوم، شماره دوم، صص ۵۷-۳۹.
- جلالی‌نائینی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، *گزیده‌های ریگ‌ودا*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- دیویدسن، آلیس. (۱۳۸۵)، *اساطیر اسکاندیناوی*، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹)، *اژدها در اساطیر ایران*، تهران: توس.
- زادسپرم. (۱۳۶۶)، *گزیده‌های زادسپرم*، ترجمه محمدتقی راشد‌محصل، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۹۳)، *سایه‌های شکارشده*، تهران: طهوری.



- شوالیه، ژان و آلن گریبان. (۱۳۸۵)، **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- **فرامرزننامه بزرگ**. (۱۳۹۴)، تصحیح ماریولین زوتفن و ابوالفضل خطیبی، تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶)، **شاهنامه**، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر اول، نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- _____ . (۱۳۷۳)، **شاهنامه**، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر چهارم، کالیفرنیا و نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- _____ . (بی تا)، **شاهنامه**، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر ششم، کالیفرنیا و نیویورک: مجموعه متون فارسی.
- قائمی، فرزاد. (۱۳۹۱)، «پژوهشی درباره اسطوره نبرد مهر و گاو نخستین و رابطه آن با گرز گاوسر»، ادب پژوهی، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۱۰.
- قلی زاده، خسرو. (۱۳۹۲)، **فرهنگ اساطیر ایران**، تهران: پارسه.
- _____ . (۱۳۹۲)، **دانشنامه اساطیری جانوران**، تهران: پارسه.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۸۶)، **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- مالمیر، تیمور و فردین حسین پناهی. (۱۳۹۱)، «اسطوره اژدهاکشی و طرح آن در شاهنامه». بوستان ادب، دوره چهارم، شماره چهارم، صص ۱۷۱-۱۴۱.
- **روایت پهلوی**. (۱۳۶۸)، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- هال، جیمز. (۱۳۹۲)، **فرهنگ نگاره‌های نمادها در هنر شرق و غرب**؛ ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- **هفت منظومه حماسی**. (۱۳۹۴)، تصحیح رضا غفوری، تهران: میراث مکتوب.
- هینلز، جان راسل. (۱۳۸۵)، **اساطیر ایران**، ترجمه باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- Humbach, Helmut and Pallan R. Ichaporia, (1998), *Zamyâd Yasht*, Wiesbaden: Harrassowitz.

